

مجموعہ اسناد و معاہدات حقوق بشر

مشرعین اعلیٰ حق بشر، حق کوک، حق پانندگان، حق معلولین، حق بشر اسلامی، حق
بشر و سلا، حق سالندان، حق سرکاری، حق بشر عدم تبعیض، حق بشر و تروریسم، توسعہ پیدار

مسلم قزل ییگلو (دانشجوی دکتری حقوق بین الملل و مدرس دانشگاه)

فرشته دهقان (عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور)

مجتبی میر (دانشجوی دکتری حقوق بین الملل و مدرس دانشگاه)

آرش بیدار (کارشناس ارشد حقوق بین الملل و مدرس دانشگاه)

سیامک محمدی (دانشجوی دکتری حقوق بین الملل و مدرس دانشگاه)

عنوان و نام پدیدآور	مجموعه اسناد و معاهدات حقوق بشر / تدوین: مسلم قزل‌بیگلو ... [و دیگران]
مشخصات نشر	تهران: خرسندی، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۵۷۵ ص
شابک	978-600-114-653-4
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا
یادداشت	مسلم قزل‌بیگلو، فرشته دهقان، مجتبی میر، آرش بیدار، سیامک محمدی
موضوع	حقوق بین‌الملل - تعهدات بین‌الملل
موضوع	حقوق بشر
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۵ ۳۲ م / ۳۴۱۰ KZ
رده‌بندی دیویی	۳۴۱
شماره کتابشناسی ملی	۳۸۹۸۲۰۹



انشارات خرسندی

خیابان انقلاب، خیابان خورشیدی، خیابان لبافی‌نژاد، نرسیده به

خیابان دانشگاه، پلاک ۱۷۳، واحد ۲

تلفن: ۶۶۴۹۰۵، ۶۶۷۱۰۳۴-۵

فروشگاه شماره ۱: دانشگاه تهران، دانشکده حقوق، علوم سیاسی، تلفن: ۶۶۴۱۰۲۰۳

فروشگاه شماره ۲: میدان انقلاب، خیابان منیری جاوید (اردیبهشت)، پلاک ۹۲، تلفن: ۶۶۹۵۰۷۵۹

فروشگاه شماره ۳: خیابان انقلاب، نرسیده به میدان فردوسی، کوچه شهید بهشتی، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد،

طبقه زیرین (قسمت کتابفروشی) تلفن: ۶۶۷۵۰۱۱۰

پست الکترونیک: khorsandypub@gmail.com

سایت اینترنتی: www.khorsandypub.com

مجموعه اسناد و معاهدات حقوق بشر

تدوین: مسلم قزل‌بیگلو - فرشته دهقان - مجتبی میر

آرش بیدار - سیامک محمدی

چاپ اول: ۱۳۹۵ - تیراز: ۵۰۰ جلد - قیمت: ۴۵۰۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-114-653-4

شابک: ۴ - ۶۵۳-۱۱۴-۶۰۰-۹۷۸

فهرست مطالب

۹.....	اختصار ادب
۱۱.....	مقدمه مترجمین
۱۲.....	مفهوم و تعریف حقوق بشر
۱۳.....	بند اول - سازوکارهای بین المللی نظام بر اجرای حقوق بشر
۲۱.....	بند دوم - حوزه های بین المللی نظارت بر ای قواعد حقوق بشر
۳۱.....	فصل اول: منشور بین المللی حقوق بشر
۳۱.....	اعلامیه جهانی حقوق بشر
۳۷.....	میثاق بین المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی
۴۹.....	میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد
۷۲.....	پروتکل اختیاری میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی
۷۷.....	فصل دوم: منع تبعیض
۷۷.....	کنوانسیون بین المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی
۹۳.....	کنوانسیون عدم تبعیض در آموزش و پرورش
۱۰۰.....	کنوانسیون بین المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید (سی ام نوامبر ۱۹۷۳)
۱۰۷.....	فصل سوم: حقوق زنان
۱۰۷.....	کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان
۱۱۸.....	پروتکل اختیاری کنوانسیون حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان
۱۲۵.....	اعلامیه حذف خشونت علیه زنان
۱۳۲.....	اعلامیه حمایت از کودکان و زنان در مخاصمات مسلحانه و شرایط اضطراری

فصل چهارم: حقوق کودک	۱۳۵
کنوانسیون حقوق کودک	۱۳۵
پروتکل الحاقی پیمان نامه حقوق کودک در باره خرید و فروش کودکان، خودفروشی کودکان و هرزه‌نگاری کودکان	۱۵۹
پروتکل الحاقی به پیمان نامه حقوق کودک درباره به کارگیری کودکان در مناقشات مسلحانه	۱۶۹
اعلامیه جهانی حقوق کودک	۱۷۶
فصل پنجم: حقوق افراد سالمند	۱۷۹
اصول سازمان ملل متحد برای سالمندان	۱۷۹
فصل ششم: حقوق معلولین	۱۸۳
کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت	۱۸۳
اعلامیه مربوط به حقوق معلولان	۲۱۸
اصول استاندارد درباره برابری فرصت‌ها برای معلولان	۲۲۱
فصل هفتم: رفاه اجتماعی، پیشرفت و توسعه	۲۵۵
اعلامیه جهانی ریشه‌کنی گرسنگی و تغذیه	۲۵۵
اعلامیه مربوط به استفاده از پیشرفت‌ها در زمینه علم و فناوری به نفع صلح و برای مصلحت نوع بشر	۲۶۲
اعلامیه مربوط به حق مردمان در مورد برخورداری از حق صلح	۲۶۵
اعلامیه جهانی درباره ژنوم انسانی و حقوق بشر	۲۶۶
فصل هشتم: حقوق پناهندگان	۲۷۵
کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان	۲۷۵
پروتکل مربوط به وضعیت پناهندگان	۲۹۵
فصل نهم: حقوق بشر و ازدواج	۳۰۱
کنوانسیون مربوط به رضایت به ازدواج، حداقل سن برای ازدواج و ثبت ازدواج‌ها	۳۰۱
توصیه درباره رضایت با ازدواج، حداقل سن برای ازدواج و ثبت ازدواج‌ها	۳۰۵
فصل دهم: منع شکنجه	۳۰۷
کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بیرحمانه، غیرانسانی یا تحقیرکننده	۳۰۷
پروتکل اختیاری مربوط به کنوانسیون علیه شکنجه و سایر مجازات‌ها یا رفتار بیرحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز	۳۲۳
فصل یازدهم: حقوق بشر و توسعه پایدار	۳۳۹

اعلامیه کنفرانس توسعه اجتماعی.....	۳۳۹
اعلامیه حق توسعه.....	۳۷۶
کنوانسیون تنوع زیستی.....	۳۸۱
بیانیه کنفرانس سازمان ملل درباره محیط زیست و انسان.....	۴۰۹
فصل دوازدهم: تروریسم و حقوق بشر.....	۴۱۷
کنوانسیون بین المللی علیه گروگانگیری.....	۴۱۷
کنوانسیون راجع به جلوگیری و مجازات جرایم علیه اشخاص مورد حمایت بین المللی من جمله مأمورین دیپلماتیک.....	۴۲۶
کنوانسیون راجع به جرایم و برخی اعمال ارتكابی دیگر در هواپیما.....	۴۳۳
کنوانسیون راجع به جلوگیری از اعمال غیرقانونی علیه امنیت هواپیمایی کشوری.....	۴۴۳
قرارداد بین المللی راجع به جلوگیری از تصرف غیرقانونی هواپیما.....	۴۵۱
فصل سیزدهم: کنفرانس های جهانی حقوق بشر.....	۴۵۷
اعلامیه کنفرانس بین المللی حقوق بشر تهران.....	۴۵۷
اعلامیه کنفرانس جهانی زن.....	۴۶۱
اعلامیه کنفرانس جهانی زنیه.....	۴۶۶
اعلامیه کنفرانس جهانی اسکان بشر.....	۴۷۳
بیانیه ربو پیرامون محیط زیست و توسعه.....	۴۷۸
اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر.....	۴۸۳
فصل چهاردهم: حقوق بشر اسلامی.....	۵۱۹
اعلامیه حقوق بشر اسلامی.....	۵۱۹
فصل پانزدهم: حقوق کار.....	۵۲۷
کنوانسیون حق سازمان دادن و مذاکره دسته جمعی.....	۵۲۷
اساسنامه سازمان بین المللی کار.....	۵۳۳
کنوانسیون ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودکان.....	۵۵۱
توصیه نامه ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودکان.....	۵۵۷
فصل شانزدهم: آپارتاید و نسل کشی.....	۵۶۳
کنوانسیون منع و مجازات نسل کشی (ژنوساید).....	۵۶۳
کنوانسیون بین المللی منع مجازات آپارتاید.....	۵۶۸

مقدمه مترجمین

انسان موجودی است اجتماعی، بنابراین شکل گیری زندگی او و تداوم آن مستلزم مشارکت در امور جامعه و همکاری با هموعان خویش است که با ورود فرد به عرصه زندگی اجتماعی و فعالیت در زمینه های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... بروز پیدا می کند. بدین ترتیب رابطه فرد و دولت (به عنوان نماینده جامعه) به وجود می آید، فرد خواستار احترام به حقوق انسانی خویش و رعایت آنها از سوی دولت می شود و بالطبع در این فرایند نقض حقوق افراد از سوی دولت محتمل الوقوع است. نقض حقوق انسانی افراد واقعیت انکارناپذیر جهان معاصر است و هیچ کشوری در جهان معاصر حقوق بشر را به طور کامل رعایت نمی کند. راهکاری که جامعه بین المللی برای جلوگیری از نقض حقوق افراد ارائه کرده است ایجاد نظامی به نام حقوق بشر است که هدف اصلی و اساسی آن حمایت از حقوق افراد در مقابل دولت هاست.

مفهوم حقوق بشر را متفکرانی از سنت های دینی و فرهنگی متفاوتی ابداع کرده و گسترش داده اند. در اثر تلاش اینان و پذیرش نسبی دولت ها به تدوین اعلامیه حقوق بشر در قوانین کشورها و زبان حقوقی و سیاسی بین المللی، هویدا شد. این اعلامیه مبانی فکری متنوعی از حقوق روم باستان گرفته تا الهیات مسیحی و اسلام، همچنین اندیشه مدرن در دوران روشنگری و به طور مشخص انقلاب فرانسه، در مجموع آنچه را امروز حقوق بشر نامیده می شود ابداع کردند. بنابراین، حقوق بشر تنها زاده عقل بشر نیست، بلکه ریشه در ادبیات دینی نیز دارد. در عین حال، گذشت زمان کمک بسیار زیادی به توسعه مفاهیم و

گسترش دامنه آن کرده، به گونه‌ای که در حال حاضر بعد جهانی حقوق بشر اهمیت زیادی پیدا کرده است.

مجموعه معاهدات حقوق بشر همراه با میثاق جهانی آن، دولت‌های متعاقد را ملزم به اجرای اصول مربوط به حقوق بشر می‌کند و در این رابطه کشورهای متعهد می‌بایست مفاد اعلامیه‌ها را در قوانین داخلی خود نهادینه کنند. این تجربه گرانقدر را نباید دست کم گرفت. زیرا حاصل تجربه و تلاش مشترک جوامع بشری است. انسان‌ها علی‌رغم توصیه‌های مکرر ادیان الهی به مدارا با یکدیگر و دوری از خونریزی‌های یهوده، جنگ‌های بزرگ جهانی و منطقه‌ای را تجربه کرده‌اند. نتایج بسیار دلخراش این جنگ‌ها زمینه‌ساز آن شده است که مفاهیم حقوق بشر گسترش یابد. اما اینکه دولت‌ها به تعهدات خود در این زمینه عمل می‌کنند یا خیر؟ مسئله دیگری است. مسئله عمل نکردن یا عدم رعایت مفاد حقوق بشر هیچ وقت به معنای بی‌اعتباری آنها در اندیشه و عمل یا آن گونه که گفته‌اند «روی کاغذ» نیست.

مفهوم و تعریف حقوق بشر

به دنبال تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، مفهوم آن توسعه یافت و حقوق بین‌الملل بر مبنای فردگرایی، در حال توسعه و تدوین می‌باشد. در پی این تحولات به جرأت می‌توان گفت که مسئله حقوق بشر مهم‌ترین تحول حقوق بین‌الملل در قرن بیستم می‌باشد. حقوق بشر، ضمن تنظیم رابطه انسان (و امروزه حتی گورها) را با دولت و نهادهای وابسته به دولت، از افراد و یا گروه‌ها در مقابل دولت حمایت کرده و، مفاد حقوق آنها را از سوی دولت و یا نهادهای وابسته به دولت، هدف قرار می‌دهد. بر اساس قواعد و مقررات حقوق بشر، انسان‌ها اصولاً حق دارند نه تکلیف. تکلیف بر عهده دولتی است که ملزم به رعایت حقوق بشر است. این حقوق، همه افراد انسانی را صرف نظر از رنگ، نژاد، جنس، مذهب و... در همه زمان‌ها و مکان‌ها و تحت هر شرایطی زیر چتر حمایت خود قرار می‌دهد.

با در نظر گرفتن اسناد بین‌المللی و متون معتبر حقوق بشری، می‌توان حقوق بشر را تعریف کنیم: «حقوق بشر مجموعه‌ای از قواعد و مقررات حقوقی بین‌المللی است که در همهٔ زمان‌ها و مکان‌ها از مقام، منزلت، کرامت انسانی تمام افراد و یا گروه‌ها صرفاً به دلیل اینکه انسانند، در مقابل همهٔ دولت‌ها حمایت می‌کند».^۱

بند اول - سازوکارهای بین‌المللی نظارت بر اجرای حقوق بشر

توجه به ماهیت مقررات حقوق بشر در عرصهٔ بین‌المللی برای اجرا در نظام داخلی، از نکات کلیدی و مهم درک فرایند نظارت می‌باشد. چرا که قواعد حقوق بشر از یک سو امتیازاتی را اعلام می‌دارد که گرچه تعهدی بین‌المللی بر عهدهٔ کشورهاست، ولی ذی‌نفعان واقعی، افراد یا گروه‌های انسانی هستند نه دولت‌های متبوعشان. از سوی دیگر، عنایت تام به این ویژگی، عارضی خاص در خود دارد که درک مکانیسم چگونگی حمایت از آنها را میسر می‌سازد.

الف) ماهیت اجرایی قواعد حقوق بشر

قواعد حقوق بشری با آنکه دارای ویژگی بین‌المللی همسان با دیگر مقررات حقوق بین‌الملل می‌باشد، اما هرگاه به شکل پذیرفته شده در نظام بین‌المللی به عهدهٔ دولت‌ها گذاشته می‌شوند، تعهدی فراملی هستند. برای آنکه این قواعد به اجرا در آیند، خصیصه‌هایی دارند که عناصر متمایزکنندهٔ آنها از دیگر تعهدات بین‌المللی را نشان می‌دهند. از این رو، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، در قبال این دسته از مقررات مواضع متفاوت نسبت به دیگر قواعد اتخاذ می‌کنند.

در این مجال برای آنکه به تأثیر این ویژگی‌ها در محدودیت‌های حاکم بر حمایت از حقوق بشر اشاره داشته باشیم، سعی نموده‌ایم با تکیه بر چند تفاوت عمده، معضل اجرا و دشواری نظارت بین‌المللی را برجسته سازیم.

۱. حسین، مهربور، نظام بین‌المللی حقوق بشر، تهران انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۷، صفحه ۳۷.

۱. تفاوت تعهدات بین‌المللی حقوق بشری و غیر حقوق بشری دولت‌ها در زمینه اجرا

جامعه بین‌المللی در اجرای تعهدات غیر حقوق بشری دولت‌ها، می‌تواند از طریق نفوذ و اعمال فشار بر دولت‌ها، آنها را به پیروی از قواعد مربوطه وادار نماید. اما اجرای تعهدات حقوق بشری دقیقاً به این دلیل است که حقوق بشر ارزش‌های بشری را به جای ارزش‌های دولتی ارتقا می‌دهد. تعهدات حقوق بشری به طور مستقیم برای دولت‌ها موجد تعهد بوده و دولت‌ها بایستی سازوکارهای داخلی اجرای حقوق بشر را منطبق با استانداردهای بین‌المللی، ایجاد نمایند. به همین دلیل، در تفاوت این دو نوع تعهد می‌توان گفت که «در جامعه بین‌المللی، نای تعهد دولت‌ها در قبال یکدیگر اصول برابری و تبادل است^۱، حال آنکه تعهد دولت‌ها ر قلمرو حقوق بشر، به گونه‌ای است که آنها را در قبال تمامی افراد اعم از اتباع داخلی، بیگانه ملت می‌کند^۲». گذشته از این، فرهنگ عام متابعت از حقوق بین‌الملل در نظام بین‌الملل، موقع^۳، از اثربخشی بسیار کمتری برخوردار است. دلیل آن هم روشن است؛ چراکه «سیس، بین^۴ ملی حقوق بشر هنوز در مرحله استقرار یافتن^۵ است» و دولت‌ها هنوز آرمان اجرای فراحاکمی تراعد حقوق بشر را در رفتار با افراد تحت صلاحیت خود را نپذیرفته‌اند.

از سوی دیگر، واکنش در برابر نقض قواعد حقوق بشر، به شکل «مقابل به مثل» و یا تهدید به آن، به خودی خود^۶ نه تنها نقض حقوق بشر است، بلکه به عنوان بازدارنده‌ای مؤثر در اجرای قواعد حقوق بشر جلوه می‌کند. از این رو، وسوسه تمسک تراعد این نظام، بسیار قوی‌تر از هر قاعده بین‌المللی دیگر است و دلسردی اساسی بر اجرا و نادرته بر حقوق بشر حاکم نموده است.

1. reciprocity

۲. هدایت‌الله، فلسفی «جایگاه بشر در حقوق بین‌الملل معاصر» مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۸، تابستان ۷۵، صفحه ۲۳۳.

3. settling

4. L. Henkin; opcit, n. 72.

5. Ipso Facto

۲. تبیین عناصر حقوقی اجرای قواعد حقوق بشر

برای سنجش کارکرد هر نظام نظارتی بایستی ملاک‌هایی را که در حوزه اجرای قواعد آن نظام اعتبار دارند، مورد توجه قرار داد. هر نظام حمایتی در پی آن است که سازوکار خود را به گونه‌ای پردازش کند که قادر باشد با از میان برداشتن موانع، راهی آسان‌تر جهت عملی شدن مقررات مربوطه فراهم آورد. این فرایند به طور مستمر تعامل میان مکانیسم‌های نظارت و عناصر اجرا را تبیین می‌کند. اتفاقاً تفاوت میان این نظام‌ها در اختلافات شکلی و ماهوی آن ارتباط‌هاست، یعنی اولاً باید دید عناصر اجرا در مکانیسم حمایتی چه یزآن لحاظ شده است؟ و ثانیاً برحسب نوع نظام نظارتی، امکان توسعه مکانیسم‌های یادشده به چه اندازه واقعیت دارد؟

بر همین اساس در راستای ارزیابی سازوکارهای نظارتی حقوق بشر، قبل از هر چیز بایستی ببینیم چه عناصر در حوزه اجرای قواعد حقوق بشر دخالت دارند؟ و سپس به مقایسه مکانیسم‌های تعبیه‌شده در نظام‌های حمایتی یادشده برای توجه به آن عناصر و پیشرفت‌هایی که می‌توانند در تطبیق اهداف خودشان با وقایع مختلف داشته باشند، پردازیم. با وجود این دو مسئله (در تبیین بیشتر این بخش) عناصر مقوم حوزه اجرای حقوق بشر را تحلیل می‌کنیم.

در فرایند اجرای قواعد حقوق بشر، ما با دو اصل اصلی روبه‌رو هستیم. اول آنکه خود قاعده حقوق بشر عنصری است تابع حقوق بین‌الملل به دولت‌ها. اساس تعهد عرفی و یا معاهده‌ای که برعهده دارد، در پی جامه عمل پوشاندن به مفاد و خواهی آن می‌باشند. چراکه هر قاعده حقوقی، حاوی مفادی دستوری است و حکایت از متردنی دارد که باید واقع شود. عنصر بعدی، مجریان داخلی قاعده حقوقی (یعنی دولت‌ها) است، بدان دلیل که قواعد حقوق بشر، دارای الزاماتی هستند که تحققشان تنها در نهادهای داخلی و برای اتباع کشورها امکان‌پذیر است. توضیح آنکه، هر قاعده حقوقی مفاد خاصی دارد که در آن، چهارچوب‌هایی کلی در واقعیت بخشیدن به آن (قاعده) ترسیم شده و حتی در این اصول کلی، سعی شده است عناصر اساسی هر وضعیتی را به طور دقیق مشخص نمایند، چندان که هر چهارچوب، مناط واقعیات عینی معین شده است. در این فرایند، هر واقعه در چهارچوب

تعیین شده قرار می گیرد ولی با این تفاوت که از نظر شکلی باید در آن تغییراتی به وجود آید، تا قابل اجرا باشد. البته این تغییرات زیاد نیست، زیرا در هر قضیه حقوقی مفاهیم کلی وقایع عینی موجود است. برخورداری از این وضوح مفاهیم قاعده حقوقی، دو کارکرد مهم به دست می دهد: از سویی، میان قاعده و اصول اخلاقی و غیر حقوقی تمایز به وجود می آید و در نتیجه «... با انفکاک از منطقه خاکستری^۱ اخلاقیات، قواعد حقوق بشر توان مبارزه و تسلط بر اصول شناخته شده حقوق بین الملل مثل حاکمیت دولت ها و عدم مداخله در امور داخلی دیگر کشورها را پیدا می کنند»^۲ و از دیگر سو، قدرت اجرایی این قواعد تعالی می یابد. با سادگی بیشتر، می توانند بر وقایع عینی قابلیت تطبیق پیدا کنند. همان طور که روشن است این فرایند با نام تفسیر^۳ در ادبیات حقوق بین الملل شناخته می شود.

در حوزه نظارت برای تعیین نقض و محکوم کردن ناقض، باید به طور مستمر به تفسیر متون و اسناد و برابر نوشته حقوق بشری پرداخت. تنها در صورت برخورداری از روش های پیشرفته تفسیر، می توان قلمرو و معنای دقیق مفاهیم و قواعد مربوطه را با «خلق مفاهیمی جدید» مشخص کرد. از این رو، هر سیستم نظارتی، برای اینکه بتواند این قواعد را قابل اجرا سازد باید قلمرو آن را به دقت معلوم بدارد و دامنه آن را تا حد ممکن توسعه بدهد.

دومین عامل مهم که در اجرای این قواعد بسیار مهمی دارد، التزام عملی دولت ها در قبال تعهدات حقوق بشری است. حال این اجرا در زمینه داخلی می تواند به شکل های گوناگونی متبلور شود. زیرا این کارکرد می تواند گاهی انجام عمل حقوقی معین و فراهم آمدن ابزاری از سوی رکن قانون گذاری برای «حالی شدن مقررات بین المللی باشد، و گاهی به صورت اقدامات اجرایی و یا قضایی خاص باشد. در نتیجه مفهوم قاعده بین المللی تنها با تغییر چهره، از نیروی الزام آور قاعده داخلی برخوردار شده و بدون آنکه ماهیت آن دگرگون شود با تغییر متنی، زبان آن به لسان جامعه انشا می گردد و

1. Grey Area

2. Tangara Huraka., "civil and political Rights" in international Law: Achievements and prospects (ed. M. Bedjaoui), Paris, UNESCO (1991) P. 1070

3. Interpretation

آنگاه، شرایط اجرای آن فراهم و رسماً قابل استناد می‌شود. باین همه، دولت‌ها همیشه این گونه عمل نمی‌کنند و در اعمال مقررات بین‌المللی حقوق بشر در زمینه‌های گوناگون سهل‌انگاری می‌نمایند. در این صورت است که قاعده بین‌المللی حقوق بشر نقض و دولت، ناقض و متجاوز است. اگر این روند به دولت‌های دیگر سرایت یابد، قاعده بین‌المللی آرام‌آرام از صحنه روابط بین‌الملل خارج می‌شود. بر همین اساس، پس از وقوع نقض دو مسئله جهت نظارت بر قواعد حقوق بشری، حائز اهمیت است:

اول، احراز «اطلاعات» صحیح، معتبر و فراگیر تمامی تعهدات نقض شده احراز شود و دوم، جبران خسارات وارده به قربانیان نقض حقوق بشر و حتی بالاتر، آنکه چگونه می‌توان دولت‌های ناقض را از تکرار تجاوزات بازداشت و آنها را ترغیب به اجرای هرچه کامل تعهدات نمود.

اینک پس از شناخت عناصر مهم و بنیادین اجرای قواعد حقوق بشری در زمینه داخلی (که عبارتند از: «توسعه بن‌بستر به مفاهیم و قواعد» و «اجرای واقعی قواعد»)، می‌توان افقی را که آیین‌های نظارتی برای حمایت از حقوق و آزادی‌های بنیادین بشر اعمال می‌شوند، ترسیم نمود. همچنین، استنباط کرد که چه عناصر نظارتی واقعیت دارند که آیین‌ها براساس آنها باید مورد ارزیابی قرار گیرند. این عناصر به ترتیب در قلمرو «وضوح و توسعه قواعد»، «اجرای واقعی تعهدات»، «توسعه حقوقی»، «کسب اطلاعات» و «جبران آثار و ممانعت از تکرار نقض» می‌باشند. از این رو، هر نظام نظارتی که در هریک از این زمینه‌ها، از مکانیسم‌ها و فناوری‌های مرفقی‌تر بهره‌مند باشد، بر اجرای قواعد حقوق بشری، نظارتی دقیق‌تر و قوی‌تر اعمال می‌کند.

در ادبیات حقوقی نظارت بر اجرای مقررات حقوق بشر، هریک از عناصر یادشده را تحت عنوان اصطلاحات ویژه‌ای به کار می‌برند. بدین ترتیب که در مورد عنصر «وضوح و توسعه قواعد و مسئله تفسیر حقوقی»، عبارت «حوزه کارکرد توسعه‌ای»، در مورد عامل «کسب اطلاعات راجع به اجرای واقعی تعهدات حقوق بشری»، اصطلاح «حوزه کارکرد

بررسی^۱ و بلاخره واژه «حوزه کارکرد جبرانی»^۲ دربارهٔ «جبران آثار و ممانعت از تکرار نقض» مورد استفاده قرار می‌گیرند. به نظر می‌رسد بنابراین سه ملاک، بتوان هرگونه نظام بین‌المللی نظارتی فعال در زمینه حقوق بشر را مورد ارزیابی قرار داد.

ب) روش‌های بین‌المللی نظارت بر اجرای حقوق بشر

حال که دریافتیم اجرای قواعد حقوق بشر باید در داخل کشورها و توسط نهادهای داخلی، برای افراد و گروه‌ها تحقق یابد، این پرسش به میان می‌آید که در جامعه بین‌المللی و با توجه به محدودیت ضمانت اجراهای کنونی، چه روش‌هایی برای اجرا و نظارت بر آن پیش‌بینی شده است؟ با مرور کلی بر انواع سیستم‌های عمده نظارتی، عناصر حقوقی هریک را تبیین می‌کنیم.

یک - آیین گزارش^۳ می

این آیین به دلیل ماهیشت، در دو سطح را ملزم به ارائه گزارش‌هایی راجع به اجرای داخلی قواعد موردنظر می‌کند. نیز نهاد عارتی صالح که به بررسی گزارش‌ها و توصیه‌های کلی می‌پردازد، با کمترین حمایت دولت‌ها مواجه بوده و رایج‌ترین روش نظارت است. از این رو، این آیین محور مرکزی سیستم اجرایی نظام بین‌المللی حقوق بشر محسوب می‌گردد.

در حال حاضر، هفت سند جهانی و مهم حقوق بشری این سیستم نظارتی را در مقررات خود گنجانده‌اند. آن اسناد عبارتند از: کنوانسیون بین‌المللی لغو تمامی اشکال تبعیض نژادی، کنوانسیون لغو تمامی اشکال تبعیض علیه زنان، کنوانسیون مدنی و سیاسی، میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون منع و مجازات جرم آپارتاید، کنوانسیون ملل متحد علیه شکنجه، کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک. از

1. the Review function
2. the correction function

عناصر مهم این آیین، مبتنی بودن بر حسن نیت دولت‌های متعهد است.^۱ چراکه اعتبار نتایج تا میزان زیادی وابسته به مقررات مناسب و اطلاعات درست ارائه شده دولت‌ها به نهاد نظارتی می‌باشد.

براساس مقررات میثاق حقوق مدنی و سیاسی: «دولت‌های عضو متعهدند گزارش‌هایی از اقداماتی که برای اجرای حقوق شناخته شده در میثاق و نیز پیشرفت‌هایی که در تمتع آن حقوق به دست آمده است، ارائه دهند».^۲ گذشته از این، گزارش‌های ارائه شده باید نشان‌دهنده موانع و مشکلاتی که برای اجرای مؤثر میثاق وجود دارند، باشد.^۳ این گزارش‌ها باید یک سال پس از لازم‌الاجرا شدن میثاق، برای دولت مربوطه ارائه شود، به گزارش‌های ابتدایی^۴ معروفند. همچنین کمیته می‌تواند گزارش‌های تکمیلی و اضافی نیز درخواست کند. گزارش تکمیلی زمانی درخواست می‌گردد که گزارش ابتدایی حاوی اطلاعات کافی نباشد.^۵ طبق گزارش اضافی زمانی است که وضعیت حقوق بشر در سرزمین آن دولت، مقتضای درخواست گزارش اضافی گردد. کمیته در بررسی خود به قوانین خاص، قضایای مطروحه در دادگاه‌ها، عملکرد نهادهای اداری، سیاست‌ها و بررسی این امر که آیا این اقدامات، پیشرفت و اصلاحی را در زمینه حقوق بشر ایجاد کرده است یا نه؟ می‌پردازد.^۶

یکی از فنون بسیار پیشرفته و مؤثر در سیستم مطالعاتی گزارش‌دهی، اختیار نهاد نظارتی (در اینجا کمیته حقوق مدنی و سیاسی) در ایجاد «ملاحظات کلی در مواردی که مناسب می‌داند»^۷ می‌باشد. «ملاحظات کلی» می‌تواند شامل این مسئله باشد که آیا دولت عضو،

1. Schoenberg, H., The Implementation of Human Rights by the United Nations, 7 Israel. Year book of Human Rights 22 (1977), at 37.

۲. ماده ۴۰ میثاق حقوق مدنی و سیاسی.

۳. ماده ۴۰ میثاق حقوق مدنی و سیاسی.

4. initial report

5. see Human Rights committee, Rules of procedural of the Human rights committee, rule 70U UN, Doc (CCPR/c/3/Rev.

۶. برای مطالعه بیشتر نک: به:

F. Jhabvala, The practice of the covenant Human rights committee. 1976-82 review of state party reports, 6 HRQ. 81 (1984)

۷. بند ۴ ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی.

تعهدات خود را که براساس میثاق به عهده گرفته، اجرا نموده است یا نه؟^۱ محتوای ملاحظات کلی نباید مربوط به کشوری خاص باشد و باید دولت‌ها را به‌طور کلی مورد خطاب قرار دهد. در این مورد، استدلال شده است که منزلت کمیته به عنوان نهادی غیردولتی و کارشناسی است و صلاحیت سیاسی ندارد که کشورها را به‌طور خاص مورد توصیه و سفارش‌های خود قرار دهد. چرا که اصولاً، هدف میثاق، خارج کردن امکان توصیه خاص است.^۲

دو) آیین شکایت

رای این، شکایات از افراد و یا دولت‌های مدعی نقض مقررات حقوق بشر، دریافت و تحلیل آنها، تطبیق و تفسیر حوادث با قواعد تعهد شده، تصمیم^۳ و یا توصیه^۴ راجع به هر قضیه،^۵ و سرانجام گزارش به نهاد نظارتی صالح گرفته می‌شود. از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی جهانی و یا منطقه‌ای در این آیین،^۶ در قواعد خود جای داده و به عنوان روشی برای نظارت بر مقررات تعهد شده به کار می‌برند، می‌توان به میثاق حقوق مدنی و سیاسی (براساس پروتکل اول اختیاری)، کنوانسیون منع شکنجه (ماده ۲۲)، کنوانسیون الغای تمامی اشکال تبعیض نژادی (ماده ۱۴)، و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اشاره نمود.

یکی از ویژگی‌های مهم و اساسی سیستم نظارتی شکایتی، این است که نهاد صالح برای اجرای این گونه سیستم، کارکردی قضایی و یا شبه قضایی در تفسیر قواعد تعهد شده و اتخاذ تصمیم‌ها یا توصیه‌ها راجع به ماهیت^۷ قضیه دارند. بسیاری از حقوقی این نظام نظارتی را کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که مشتمل بر یک مقدمه و ۶۶ ماده است، تشکیل می‌دهد. مقررات این سند بین‌المللی تحت عنوان پنج بخش: حقوق ماهوی،^۸ تسکین کمیسیون و

1. Jhabvala, op cit. n. 61, at 92-95.

۲. به نقل از منبع ذیل:

Ineke Boerefijn, Towards a strong system of supervision: The Human Rights committee's role in reforming the Reporting procedure under Article 40 of the covenant on civil and political rights, HRQ, Vol 17 (1995), P, 786.

3. Decision

4. Recommendation

5. Merits

دادگاه اروپایی حقوق بشر، احکام مربوط به کمیسیون اروپایی حقوق بشر، مقررات مربوط به دادگاه اروپایی حقوق بشر و بلاخره مقررات مربوط به امضا و الحاق به کنوانسیون، اعلام حق شرط و نحوه خروج از آن، ذکر شده است.^۱

بند دوم - حوزه‌های بین‌المللی نظارت بر اجرای قواعد حقوق بشر

آیین‌های نظارتی در سه زمینه باهم رقابت دارند و هریک، براساس ساختار و اهدافی که برای حمایت بهتر قواعد در نظر گرفته‌اند، به تعبیه مکانیسم‌ها و فنون خاص پرداخته‌اند.

الف) «وز» «کارکرد توسعه‌ای»

در این زمینه، «وز» بر آیین نظارتی باید براساس بررسی مکانیسم‌های تفسیری آن آیین باشد. در این بخش، این نکته را ملاحظه کنیم که هر آیین نظارتی چه فرصت‌هایی برای ارائه تفسیر مناسب در اختیار دارد؟ علاوه بر آن، در توصیف وقایع حقوقی به چه میزان دقت شده است و آیا فنون مناسب برای بالا بردن سطح این دقت فراهم است؟

در روش شکایتی، یک مفهوم گسترده، چندین بار و از جوانب مختلف، موضوع رسیدگی قرار می‌گیرد. و هر بار تفسیری حقوقی از آن «مفهوم خاص» قاعده حقوقی با توجه به اوضاع و احوال، ارائه می‌شود.^۲

از این رو با اجتهاد در موضوع، قاعده حقوقی مفروض را شن تراز سابق پیدا می‌کند و چون در رسیدگی شکایتی، تفسیری حقوقی از مفاهیم به حل می‌آید. می‌توان گفت در این آیین، توسعه مفاهیم گسترده‌تر و دقیق‌تر از هر نظام نظارتی دیگری است. آیین‌های گزارش‌دهی با اینکه تدبیر خاصی به نام «ملاحظات کلی» اتخاذ کرده‌اند و سعی داشته‌اند این نقیصه خود را جبران کنند، اما از آنجا که فاقد عنصر تفسیری حقوقی و داشتن

۱. برای کسب اطلاع بیشتر ر.ک: حسین، مهرپور نظام بین‌المللی حقوق بشر، تهران انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۷، صفحه ۱۸۲.

۲. به عنوان نمونه از مفهوم «جلوه عمل یا رویه» (practice) یکی از مظاهر حقوق مذهبی - عقیدتی در سیستم اروپایی حقوق بشر است که تا سال ۱۹۹۶، ده بار به روش قضایی بررسی شده است: Malcolm D. Evans, "Religious liberty and international law in Europe" Cambridge. Cambridge University press. (1997). P. 305

فرصت‌های مناسب تعیین معنا و مفهوم قلمرو مفاهیم و قواعد هستند، با این تمهید نیز «توفیقی در توسعه فهم عام از قواعد حقوق بشری مربوطه نداشته‌اند»^۱

ب) حوزه «کارکرد بررسی»

از آنجا که هدف اصیل نظارت در این حوزه، آگاهی گسترده، دقیق و معتبر از اجرای واقعی تعهدات کشورهاست، مهم‌ترین عنصر بحث «اطلاعات» است. کسب اطلاعات جامع در آیین شکایتی، به دلایلی با مشکل روبه‌رو است. اول آنکه با وجود آزادی که کشورها در پیوستن به تعهدات نظارتی بین‌المللی دارند، اقبال آنها به آیین‌های شکایتی در قیاس با توجهی که نسبت به آیین گزارش‌دهی نشان می‌دهند، بسیار کم و ناچیز جلوه می‌کند. در عوض، آیین‌های شکایتی با در اختیار داشتن ابزاری که جهت نظارت دقیق بر اجرا تعیه کرده‌اند، موفق‌ترند. در این آیین‌ها، بررسی ماهیت دعوی، مکانیسمی مهم در دستیابی به اطلاعات ژرف هر قصه و درجای حقوقی است. با وجود این تحلیل‌های مفصل که در این آیین‌ها به عمل می‌آید، همچنان برای مقایسه با گستردگی و وسعت کار آیین گزارش‌دهی نیستند.^۲ از سویی دیگر، به دلایل خاص و براینیان و بزه‌دیدگان نقض نیز معمولاً به آیین‌های شکایتی امیدواری چندانی ندارند و اقبال آنها هم در این مورد کمتر است. از این رو، آیین گزارش‌دهی با تمام نواقص و ناتوانی‌های فنی که در بررسی اجرای واقعی تعهدات دولت‌ها دارد، اما معمولاً اطلاعات گسترده‌ای در زمینه اجرای تعهدات مختلف حقوق بشری در کشورها، دریافت می‌دارد. به همین سبب، حتی در مواردی هم که آیین‌های شکایتی مجری هستند، آیین گزارش‌دهی باز هسته اصلی نظارت به شکل مستمر و اساسی را تشکیل می‌دهد.^۳ نمونه بارز آن، سیستم نظارتی میثاق حقوق مدنی - سیاسی و پروتکل اول اختیاری است.^۴

1. M. Craven, op cit. n. 125. p. 28.

2. M. Craven, op cit. n. 125. p. 33

۳. نک به:

D. Fischer, "International Reporting procedures" In Guide to International Human Rights practice, Hannum H. (ed), (Philadelphia, University of Pennsylvania press, (1984), P. 165

۴. راجع به میثاق و این نکته نک به: